

# کارگردان اولین فیلم ناطق ایران که بود؟

## اردشیر ایرانی یا عبدالحسین سپنتا

جمال آریان

این فیلم به گونه ای در پرده ابهام مانده است. منتقدان و تاریخ نگاران سینما در مطالب خود از دو نام یاد می کنند: «اردشیر ایرانی»، که یک ایرانی متعلق به پارسیمان هند است و نیز «عبدالحسین سپنتا» که یک زردشتی متولد ایران است. کفه نوشته ها بیشتر به سمت اعتبار دادن به سپنتا است.

حال آنکه تیتراژ فیلم و برخی از گزارش های نمایش فیلم آن زمان، حکایتی دیگر دارند و اعتبار را به «خان بهادر اردشیر ایرانی» می دهند. این مقاله کوششی مقدماتی در بجا آوردن یک حق رو به فراموشی است.

اولین نمایش فیلم «دختر لر» که بعد ها مردم با نام «جعفر و گلنار» از آن یاد کردند، از سی ام آبان ۱۳۱۲ در سینما مایاک در لاله زار و سینما سپه آغاز شد و مورد استقبال بی نظیر مردم قرار گرفت. نمایش فیلم سی و هفت روز ادامه یافت.

یک بیننده خاطرات خود از اولین نمایش را چنین بازگو می کند: «خیابان مملو از جمعیت است. مردم به سینمای مایاک هجوم آورده و می خواهند داخل بشوند و بلیط بخرند اما راه نیست. فیلم ناطق فارسی «دختر لر» در آن جا نمایش داده می شود و سالن پر از جمعیت است، جای خالی یافت نمی شود. هیاهوی عجیبی برپاست. همه انتظار تماشای فیلم را دارند. یک دفعه سالن تاریک می شود. خان بهادر اردشیر ایرانی نطق می کند، چقدر متین و چقدر هیجان آمیز، هر لحظه موسیقی ایرانی و آواز فارسی گوش ها را نوازش می دهد و روح ها را مسرت می بخشد. عملیات برجسته آرتیست ها، بینندگان را به تحسین وا داشته است. هر کس می گوید چه عالی و چه زیباست. (۱)

به جایگاه این فیلم در تاریخ سینمای ایران بعداً خواهیم پرداخت، اما برای یافتن سازنده اصلی آن نیاز داریم تا دو شخصیت اصلی یعنی اردشیر ایرانی و سپنتا را بشناسیم و بدانیم که رابطه شان با فیلم چگونه بوده است.

عبدالحسین سپنتا، شخصیت مهمی در تاریخ سینمای ایران است. او در شکل گیری و تحول سینمای ایران نقش و سهم اساسی داشته است. از ۹ فیلم دوره اول فیلم سازی در



سینما ابتدا با تصویر آغاز به کار کرد و مدت ها خاموش و صامت بود، تا اینکه به ضرورت رشد زبان گشود و در اولین فیلم سخن گو بنام «خواننده جاز»، خواننده شروع به ترنم کرد و زمانی که تماشاگران او را تشویق کردند، گفت تازه حالا اول کار است. کار همزمان تصویر و صدا بدینگونه آغاز شد. در ایران نیز واقعه شکلی مشابه داشت، ابتدا سکوت و سپس صدا و سیما. پس از چند آزمایش کوتاه و تجربی، بالاخره سکوت در سال ۱۹۳۲ شکست و اولین فیلم ناطق ایرانی، به زبان شیرین فارسی بنام «دختر لر» بر پرده سینماهای ایران رفت. بنا بر دلایلی چند، از جمله حس وطن پرستی و دادن اعتبار به خودی و نیز سکوت منتقدان ایرانی، نام واقعی کارگردان اصلی



اردشیر ایرانی

اردشیر ایرانی در سال ۱۹۳۳، به اعتبار مطالب نوشته شده در سینمای هند، توانست اولین فیلم ناطق ایرانی را بنام «دختر لر» بر اساس سناریویی از عبدالحسین سپنتا و با بازیگری وی و چند ایرانی دیگر کارگردانی نماید.

ایران - ۱۳۱۵-۱۳۰۹ - پنج فیلم متعلق به اوست: «دختر لر» با همکاری اردشیر ایرانی؛ ۱۳۱۲، «شیرین و فرهاد»؛ ۱۳۱۳، «فردوسی»؛ ۱۳۱۳، «چشمان سیاه»؛ ۱۳۱۵ و «لیلی و مجنون»؛ ۱۳۱۵. (۲)

احمد امینی در کتاب «صد فیلم تاریخ سینمای ایران» می‌گوید که سپنتا به دعوت دینشاه ابرانی، ایران شناس برجسته هند به آن کشور می‌رود و به کار تحقیق و مطالعه در زمینه فرهنگ و ادبیات ایران باستان مشغول می‌شود. چند سال بعد با اردشیر ایرانی صاحب کمپانی امپریال فیلم آشنا می‌شود.

سپنتا با تئاتر آشنایی داشت اما تا قبل از آغاز به همکاری با اردشیر ایرانی، هیچ گونه تجربه سینمایی نداشت. سپنتا خود گفته که از روی اتفاق با پدیده فیلم و سینما آشنا شده است. یک روز دینشاه، سپنتا را نزد اردشیر ایرانی می‌برد تا از استودیوی فیلمبرداری او دیدن کند. اردشیر از چگونگی آشنایی سپنتا با سینما می‌پرسد و سپنتا می‌گوید که تا حدودی با نقاشی و شعر و تئاتر آشناست. اردشیر او را به استودیویش برای تعلیم دعوت می‌کند و کتاب‌های سینمایی در اختیار او قرار می‌دهد. ضمناً سپنتا با یکی از کارگردانان برجسته سینمای بنگال بنام «دبکی بوز» نیز آشنا شده و از نظرات او بهره‌مند می‌شود. پس از یک سال، سناریوی فیلم «دختر لر» با نگارش سپنتا و زیر نظر فنی اردشیر آماده می‌شود. (۳)

تولید هفده فیلم شد.

ایرانی در سال ۱۹۲۴، کمپانی دیگری به نام MAJESTIC FILM را پایه گذاشت، که در آن شصت و فیلم ساخت. او در چهل سالگی فیلمسازی صاحب نام در هند بود، که ستارگان مشهوری را نیز وارد عالم سینما کرد.

اردشیر ایرانی زمانی که فیلم بلند «عالم آرا» را در سال ۱۹۳۱ ساخت، به عنوان پدر فیلم ناطق هند شناخته شد. او همچنین اولین فیلم هندی به زبان انگلیسی را با نام «نور جهان» به سال ۱۹۳۴ ساخت. سلسله ابداعات اردشیر با ساختن اولین فیلم بلند رنگی هند با نام KISAN KANYA در سال ۱۹۳۷ تکمیل تر شد. همچنین او توانست با آوردن دامنه گسترده تری از خطوط داستانی به صنعت فیلم هند، چهره سینمای هند را تغییر دهد.

اردشیر ایرانی در سال ۱۹۳۳، به اعتبار مطالب نوشته شده در سینمای هند، توانست اولین فیلم ناطق ایرانی را بنام «دختر لر» بر اساس سناریویی از عبدالحسین سپنتا و با بازیگری وی و چند ایرانی دیگر کارگردانی نماید.

اردشیر در رشته ضبط صدا نیز تحصیلاتی در انگلیس داشت که آنها را در ساخت فیلم

اردشیر ایرانی متولد پنجم دسامبر ۱۸۸۶ و متوفی به چهاردهم اکتبر ۱۹۶۹، نویسنده، کارگردان، تهیه کننده، بازیگر، پخش کننده فیلم و فیلمبردار دوره ابتدایی عصر صامت و ناطق سینمای هند بود. او بخاطر ساختن فیلم به زبان های هندی انگلیسی، آلمانی، اندونزی، فارسی، اردو و تامیل شهرت داشت. اردشیر ایرانی مبتکر موفقی بود که سالن های متعدد فیلم، بنگاه فروش گرامافون و بنگاه ماشین داشت.

اردشیر ایرانی در یک خانواده مهاجر ایرانی- زردشتی با نام خان بهادر اردشیر ایرانی در MAHARASTA هند تولد یافت. او در سال ۱۹۰۵ میلادی به عنوان نماینده هندی استودیوهای یونیورسال منصوب شد و «سینمای الکساندر» را در مامبی به مدت چهار سال اداره کرد. در این سینما بود که اردشیر قوانین فیلمسازی را یاد گرفت و جذب این رسانه شد. اردشیر در سال ۱۹۱۷ به حوزه تهیه فیلم پا گذاشت و اولین فیلم صامت بلندش را با نام Nala Dayamanti به سال ۱۹۲۰ تهیه کرد. در سال ۱۹۲۲، کمپانی Star Films را پایه گذاشت و با کمک فیلمبردار و شریکش اولین فیلم صامت این کمپانی را کارگردانی نمود. این کمپانی پیش از انحلالش موفق به



ریاست و رژیست  
خان بهادر ایرانی و به  
اشتراک آرتیست‌های  
ایرانی.»

جالب اینجاست که  
در شب افتتاح فیلم  
نیز خود خان بهادر  
اردشیر ایرانی به  
عنوان کارگردان به  
روی صحنه می‌رود  
و علیرغم مشکل زبان  
دانستن به سخنرانی  
می‌پردازد: «خانم‌ها،  
آقایان، بسیار

خوشوقت و متشکرم  
که برای دیدن این  
فیلم که به وسیله  
برادران ایرانی  
خودمان تهیه شده  
است، تشریف  
آورده اید. بسیار  
خوشوقتم همانطور

که اولین فیلم ناطق در هندوستان به وسیله  
کمپانی ما - امپریال فیلم - تهیه شده است،  
نخستین فیلم ناطق فارسی نیز به توسط  
این موسسه تهیه و تقدیم هموطنان گرامی  
می‌گردد... زنده باد ایران.» (۵)

ذکر این نکته ضروری است که، از آنجا که  
سپنتا خود در مجلس حضور داشته بنابراین  
اگر به کارگردانی اردشیر ایرانی اعتراض  
داشته، می‌توانسته است آن را ابراز کند،  
بویژه به نام اردشیر به عنوان رژیستور یا  
کارگردان.

در پوستر فیلم و در صفحه آخر فیلمنامه  
«دختر لر» - نوشته سپنتا - آمده است که:  
«دختر لر»، اولین فیلم تمام ناطق و موزیکال  
فارسی، توسط کمپانی فیلمبرداری فارسی  
در امپریال کمپانی (بمبئی) در تحت ریاست  
رژیست، خان بهادر اردشیر ایرانی.

برخی از منتقدین صاحب نام از جمله

احمد امینی در کتاب «صد فیلم تاریخ  
سینمای ایران» بر این مسئله اذعان دارند و  
به عنوان سند آن را ذکر می‌کنند:

ابراهیم مرادی کارگردان مشهور عصر  
صامت و سپس ناطق سینمای ایران  
سازنده فیلم مشهور «بوالهوس» مدعی بود  
که اولین فیلم ناطق فارسی را او ساخته  
است؛ هر چند که اثری از این فیلم در  
دست نیست، اما با توجه به همزمانی کار  
و اینکه این کارگردان نیز در تاریخ سینمای  
ایران صاحب جایگاهی شایسته است،  
نظرش می‌تواند طرف اعتبار باشد. او در  
مقاله ای، همزمان با نمایش فیلم «دختر لر»  
- ۳۰ آبان ۱۳۱۲ - می‌نویسد: «امروزه  
می‌بینید که در مملکت هندوستان، شهر  
بمبئی، فیلمی به زبان فارسی تهیه شده  
است. این فیلم در هندوستان توسط کمپانی  
امپریال فیلم در بمبئی برداشته شده و انصافاً  
آقای خان بهادر اردشیر ایرانی در تهیه آن  
زحمات بسیاری را متقبل گردیده‌اند. در این  
فیلم آقای خان بهادر اردشیر ایرانی سمت  
رژیستوری و متورانسین این فیلم را عهده دار  
بوده‌اند.»

از مرادی در جایی دیگر - تاریخ سینمای  
ایران - جمال امید - ص ۸۱ - یاد می‌شود که  
نوشته است: «دختر لر اصلاً فیلم ایرانی نبود  
و محصول هندوستان بود که تمام کارهای  
فنی آن به دست یک عده هندی تحت نظر  
متخصصین انگلیسی در بمبئی انجام گرفته  
بود.»

در مقابل شواهدی که به اثبات کارگردانی  
اردشیر ایرانی تعلق می‌گیرد، دسته ای  
دیگر، این اعتبار را متعلق به سپنتا  
می‌دانند. گروهی نیز معتقد به کارگردانی  
مشترک این دو هستند. از جمله نویسنده  
کتاب «سینمای ایران؛ برداشت ناتمام» در  
صفحه ۳۱۳، کتاب می‌آورد که:

«وقتی در سال ۱۳۱۲ فیلم «دختر لر»  
(ساخته اردشیر ایرانی و عبدالحسین سپنتا)  
که صدیقه سامی نژاد در آن نقش گلنار

«عالم آرا» و دیگر فیلم‌هایش به کار می‌گرفت.  
اردشیر ایرانی بیش از ۱۵۸ فیلم طی  
بیست و پنج سال در طی سال‌های جنگ  
جهانی ساخت. آخرین فیلم وی بنام  
PUJARI به سال ۱۹۴۵ ساخته شد. او در  
هشتاد و دو سالگی در بمبئی دنیا را ترک  
کرد.

تا همین جا مشخص است که چه تفاوت  
تکنیکی و تجربی عظیمی بین اردشیر و  
سپنتا وجود داشت و سپنتا همچون شاگردی  
در کنار وی به کار یادگیری می‌پرداخت و  
در نهایت نیز به هنگام ساخت «دختر لر»  
می‌باید دستیاری اردشیر را می‌کرد.

با ساخت و ارائه «دختر لر» برای نمایش  
در ایران، عنوان کارگردانی فیلم در تیتراژ به  
اردشیر ایرانی تعلق پیدا کرد. (۴)

مسعود مهرابی، محقق گرانقدر در کتاب  
«تاریخ سینمای ایران» خود می‌نویسد:  
«در متن اعلامیه فیلم آمده است: در تحت

متتهای زحمت برای امپریال فیلم تهیه نموده بودم و کمپانی مزبور به عذر اینکه از بازار سینما در ایران اطلاع ندارد و مطمئن به استفاده از آن فیلم نیست، مرا امید داد که در صورت آنکه این فیلم را خوب کارگردانی نمایم که مورد توجه ایرانیان قرار گیرد، قدردانی کامل خواهد نمود... تهیه فیلم «دختر لر» به همان اندازه که برای کمپانی استفاده داشت به ضرر من تمام شد. (۶)

در کتاب صد چهره سینمای ایران گفته می شود: «وقتی در سال ۱۳۱۲ فیلم «دختر لر» ساخته مشترک خان بهادر اردشیر ایرانی و عبدالحسین سپنتا که صدیقه سامی نژاد در آن نقش گلنار را بازی می کرد، در میان مردمی که برای بار نخست سیمای یک زن ایرانی را بر پرده سینما دیده بودند واکنش های ناگواری را برانگیخت...»

احمد امینی می نویسد: « بنا بر ادعای سپنتا، فیلمنامه را خود او نوشته، به نسخه اصلی که کمی بیش از ۱۰۰ دقیقه طول زمانی داشته، برای نمایش در ایران دو بخش اضافه شده، بخش پیش از شروع فیلم (تصویر اردشیر ایرانی که بینندگان را به دیدن فیلم دعوت کرده) و بخش پایانی. ساسان سپنتا، پسر عبدالحسین سپنتا که فیلم را دیده و با علاقه و دقت مراحل کار پدر را دنبال کرده معتقد است که تأثیر اساسی اردشیر ایرانی در فیلم «دختر لر» از جهات تکنیکی، کاربرد دوربین و مونتاز تصویر قطعی و طبیعی است. (۸)

را در سال ۱۹۳۲ در هندوستان ساخت، اما خود عبدالحسین سپنتا حداقل در یک گفتگو که در فیلمنامه « دختر لر» چاپ شده، گفته است: فیلم «دختر لر» و چهار فیلم ناطق فارسی بعدی که پی در پی بعد از «دختر لر» به ایران آمد در هندوستان تهیه گردید. سناریوی تمام فیلم های مزبور توسط خود اینجانب نوشته شد، کارگردانی رل اول فیلم، تهیه جملات، مونتاز و آهنگ های فیلم «دختر لر» و اشعار آن و دکور و لباس تماماً از خود اینجانب بوده است... از آنجائی که در ناتور کار کرده و علاقه ای مفرط به این هنر داشتم این فکر به نظرم رسید که فیلم ناطق فارسی در آنجا تهیه و به ایران فرستاده شود. موضوع را همانجا با مدیر کمپانی مطرح کردم و پس از دو ماه مطالعه مقدمات تهیه فیلم فراهم آمد... در نگارش سناریو و تهیه این فیلم با نبودن وسائل و عدم سابقه فیلمبرداری فارسی زحمات زیاد متحمل شدم.» (ص ۱۰۷ و ۱۰۸)

مسعود مهرابی در «تاریخ سینمای ایران» آورده است که عبدالحسین سپنتا نوشتن و نقش اول فیلم را به عهده داشته و در صفحه ۲۷ همین کتاب از سپنتا نقل قول می شود که آشنایی با اردشیر به من فرصت داد که فکر تهیه یک فیلم فارسی را در خاطر اردشیر تمرکز دهم... سناریوی «دختر لر» را با نظر فنی اردشیر که مخصوصاً از نظر مونتاز مهارت زیادی داشت، نوشتیم.»

سپنتا می گوید: «من «دختر لر» را با

را بازی می کرد، در تهران نمایش داده شد...»

در تاریخ سینمای ایران نوشته جمال امید آمده است که: «دختر لر» اگر چه تحت عنوان ساخته اردشیر ایرانی ارائه شده، اما در واقع دو کارگردان داشته است، کارگردان فنی: اردشیر ایرانی و کارگردان هنری: سپنتا. اگر چه در ظاهر امر، اردشیر برای سپنتا گواهی به عنوان کارگردان صادر کرده ولی نام خودش را به عنوان رژیسور در عناوین فیلم ذکر کرده است.»

احمد امینی در کتاب «صد فیلم تاریخ سینمای ایران» ذکر می کند: «تأثیر اساسی اردشیر ایرانی در فیلم «دختر لر» از جهات تکنیکی، کاربرد دوربین و مونتاز تصویر قطعی و طبیعی است ولی در مجموع، از جهت زیر بنای اثر، چاشنی خاص ایرانی (اشیاء موجود در صحنه، مکالمات، اشعار، آهنگ ها، یادگاری کندن جعفر روی درخت و گفتار مثلا، تهرود شهر قشنگیه، اما مردمش بدند- نمی تواند نشانی غیر از یک ایرانی داشته باشد... و می توان نتیجه گیری کرد که «دختر لر»، اگر چه تحت عنوان ساخته اردشیر ایرانی ارائه شده، اما در واقع دو کارگردان داشته است.»

دکتر محمد علی ایثاری، محقق و سینماگر قدیمی در نشریه ره آورد - شماره ۵۷ ص ۲۸۸ - می نویسد:

«سپنتا که حقاً باید او را پدر فیلم ناطق فارسی دانست، اولین فیلم ناطق ایرانی

**ABC Better Life**



**شیلنگ شیردار**  
به آسانی می توانید نصب کنید

**\$39<sup>99</sup> + tax**  
Call Olga Flores

**832-878-4984**  
www.handyspray.com

**فرآورده های بهداشتی و آرایشی**

**دکتر گلشاهی**  
در هوستون

**برای دریافت فرآورده های**  
**Cosmetic Anti-Age**

**با من Olga Flores تماس بگیرید**

10% Glycolic Acid Facial Cream • Moisturizing Cream  
Skin Rejuvenation Cream

**832-878-4984**

جمال امید، محقق برجسته سینمای ایران در کتاب تاریخ سینمای ایران یاد آوری می کند که گرچه سپنتا هیچ گاه خود را کارگردان «دختر لر» معرفی نکرد، ولی در مصاحبه هایی که بعد ها انجام داد همواره خود را به عنوان سازنده فیلم معرفی می کند. او نقش سپنتا را در ساخت فیلم موثرتر از اردشیر می داند.

فرخ غفاری مورخ صاحب نام و از اولین پیشگامان نگارش تاریخ سینمای ایران که استاد خود نگارنده این مطلب نیز بوده، در مجله تماشا، اظهار نظر می کند که کار سپنتا به راستی یک کار بی ادعا بود. روانی شیوه مکالمه او در خور ستایش است. به طور کلی نفوذ روش های هندی در کار مرحوم سپنتا دیده می شود، و این طبیعی است. چون او در هند کار می کرده. ما یک سناریوی دکوپاژ شده از او دیدیم که نشان می داد مرحوم سپنتا تا چه حد در کار خود دقیق و موشکاف بود. او مو به مو عکس تمام صحنه های فیلم را کشیده بود.<sup>(۹)</sup>

به نظر نگارنده، مطلب اینست که علیرغم تمامی این تفاوت های آرا درباره اینکه سازنده واقعی «دختر لر» کیست، باید توجه داشت که احتمالاً به علت فقدان تجربه کارگردانی و کار فیلمسازی عبدالحسین سپنتا و اینکه ایشان فقط پس از دو ماه که از اظهار علاقه اش به ساخت فیلم می گذشت، کار فیلمبرداری فیلم را شروع می کند، قادر به ساخت نهایی و کارگردانی فیلم نمی توانسته بوده باشد، آن هم به تنهایی. به احتمال زیاد ایشان به عنوان نگارنده سناریو و نیز دستیار کارگردان و احتمالاً مشاور صحنه در کنار استادشان اردشیر ایرانی که تجربه فراوانی در تمامی زمینه های سینما داشته، ایستاده و با کسب تجربه و داشتن افتخار همکاری در ساخت اولین فیلم ناطق ایرانی، نامشان را در تاریخ سینمای ایران ثبت کرد. سپنتا با قرار دادن نام اردشیر در تیتراژ فیلم بطور همزمان هیچ

گاه مخالفت ثبت شده ای نشان نداد چرا که احتمالاً قصد داشته با استفاده از کمک های کمپانی اردشیر، طرح ها و فیلم های بعدی خود را بسازد که همین کار را هم کرد و بر آوازه خویش افزود و جایگاه مناسبی در تاریخ سینمای ایران یافت.

پس از استقبال از فیلم «دختر لر» که تا آن زمان بی مانند بود، فیلم های صامت موجود رونق شان را از دست دادند؛ از جمله فیلم «حاجی آقا اکتور سینما» ساخته «اوانس اوگانیانس» که با صرف هزینه ای بالغ بر پانزده هزار ریال در پرسی فیلم تهیه شده بود به ورشکستگی کشانده شد و تبلیغات اوگانیانس نیز که فیلم خود را ناطق معرفی می کرد موثر واقع نشد.

اردشیر ایرانی، پس از کسب موفقیت فراوان «دختر لر»، به علت اینکه تهیه کننده فیلم بود، درآمد بسیار کسب کرد. او به رغم فعل و انفعالات موافق و مخالف، به آینده کار فیلمسازی برای ایران اطمینان داشت و در نتیجه به سپنتا نامه ای نوشت و از او خواست که با همکاری شریکش یوسف علی، چند نوازنده و هنرپیشه استخدام کند و به هند (بمبئی) اعزام دارد.

سپنتا موضوع فیلم دومش را با تشویق وزارت معارف، «فردوسی» قرار داد و اردشیر را به ساخت این فیلم ترغیب کرد. اردشیر نیز فیلمی از جریان برگزاری جشن هزاره فردوسی تهیه کرد که مورد تأیید وزارت قرار گرفت.

همزمان با اقداماتی که برای نمایش فیلم «فردوسی» در شهر توس در جریان بود، اردشیر ایرانی و سپنتا، طی آگهی هایی به استخدام هنرپیشه برای فیلم های آینده خود پرداختند و ساختن چند فیلم ناطق فارسی دیگر را شروع کردند. «شیرین و فرهاد» آخرین فیلمی بود که سپنتا برای امپریال فیلم ساخت.

حق مطلب اینست که اردشیر ایرانی، نه فقط به صرف نامش، بلکه با نسبتش که

پارسی نژاد است، ایرانی است، همانطور که فرزندان ما که در کشورهای خارج از ایران تولد می یابند، این چنین اند. او که نخستین فیلم ناطق سینمای هند را ساخته، کسی است که سهم بیشتری در زبان گشودن فیلم های ایرانی دارد. کمک های بعدی وی به سپنتا برای ادامه ساخت فیلم های ناطق ایرانی و قرار دادن نام سپنتا به عنوان کارگردان در آنان، جای ستایش بسیار دارد، همانطور که اشتیاق و علاقه و هنرمندی سپنتا مورد تأیید و ستایش است. در جایگاه های مهم تاریخ قرار گرفتن و اولین بودن بسیار اغوا کننده است اما حق و واقعیت را نیز نباید فراموش کرد و ارزش کار هر کس را باید به جا شناخت. زحمات هر دوی این بزرگان سینما مورد ستایش است.

این مقاله به دوست گرامی مهربان و وطن دوست جناب دکتر کامران آل گیلانی به طریق اخلاص تقدیم می گردد.

#### زیر نویس:

- ۱- عباس بهارلو؛ صد چهره سینمای ایران؛ تهران؛ نشر قطره؛ ۱۳۸۲؛ چاپ دوم
  - ۲- عباس بهارلو؛ صد چهره سینمای ایران؛ ص ۲۳
  - ۳- نشریه فرهنگ و زندگی؛ شماره ۱۸ - تابستان ۱۳۵۴؛ ص ۱۱۲-۱۱۱
  - ۴- به نقل از: جمال امید؛ تاریخ سینمای ایران؛ ص ۶۶
  - ۵- جمال امید؛ تاریخ سینمای ایران، ص ۶۶
  - ۶- جمال امید؛ تاریخ سینمای ایران؛ ص ۷۴
  - ۷- احمد امینی؛ صد فیلم تاریخ سینمای ایران؛ صفحه ۱۸
  - ۸- جمال امید؛ تاریخ سینمای ایران، ص ۷۷
  - ۹- فرخ غفاری؛ مجله تماشا؛ سال اول؛ شماره پنجم؛ دوم اردیبهشت سال ۱۳۵۰
- منابع:**  
تاریخ تحلیلی صد سال سینما ایران، زیر نظر عباس بهارلو، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۹  
- نشریه ره آورد بشماره ۵۳  
- خاطرات فیلمبرداران سینمای ایران، غلام حیدری، تهران دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۶  
- صد فیلم تاریخ سینمای ایران، احمد امینی، تهران، شیدا، ۱۳۷۳ چاپ دوم  
- تاریخ سینمای ایران، مسعود مهرابی، تهران، مولف، ۱۳۷۰، چاپ ششم  
- تاریخ سینمای ایران، برداشت ناتمام، غلام صدری، تهران، چکامه، ۱۳۷۰